



این جا، چراغی روشن است

سال سوم
شماره ۷۹
دوشنبه
۵ حمل ۱۳۹۸
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
March 25, 2019
Vol. 3
No. 79

نیمه هفته

روشن خیرن؛ فعال مدنی



رویکرد نیمه هفته

جدیت مبحث زنان در سال ۱۳۹۷ و آن چه که در آینده باید انجام شود

اگر چند در طی ۱۸ سال اخیر بحث حضور و نقش زنان افغانستان در تمام موضوعات چون سیاست، اقتصاد و دیگر مسایل اجتماعی و فرهنگی مطرح بود. اما سال ۱۳۹۷ را می توان جدی ترین سال برای مطرح شدن نقش و حضور زنان در بخش های مختلف دانست. در این سال به خصوص در روند چگونه شکل گیری پرونده های بزرگ ملی چون صلح و انتخابات، نقش زنان برجسته بود.

این موضوع نه تنها در رسانه های داخلی بلکه در رسانه های بین المللی نیز به صورت گسترده بازتاب یافت. بنابراین می توان گفت که زنان در افغانستان موفق به پاس داری از ارزش ها و دست آوردهای ۱۸ ساله اخیر افغانستان شدند. تمام این موارد را می توان هم چون دست آوردهای بزرگ زنان در نظر گرفت. اما آنچه مهم تر از این موضوعات است؛ مساله انسجام بهتر و ایفا کردن نقش های مهم تر در سال های آینده است.

بحث زنان به کمک نیروهای بیرونی و کمک های بسیار مطرح شد. در این مسیر میلیاردها دالر به مصرف رسید و با در نظر داشت این موضوع اما آنچه که رضایت بخش نیست کم کاری هایی است که در خصوص زنان صورت گرفته است. در موضوعات بسیار بحث حضور زنان تنها به دلیل پروژه های بود که با استفاده از نام زنان گرفته می شدند. از طرف دیگر، خود زنان هم تا اندازه ای که باید، نتوانستند از فرصت های به دست آمده به صورت درست استفاده کنند. کم تر زنی را می توان یافت که در بخش خاص کاری اش تخصص داشته باشد و یا به صورت جدی وقتی در دفتری برای کار می رود مهم ترین چیزی که در موردش فکر کند، توان مندی و ظرفیت کاری اش باشد. این ها نقدهایی است که بر زنان وارد است و تنها چیزی است که از سوی اکثریت زنان نادیده گرفته می شود.

حالا که در آستانه سال جدید خورشیدی قرار داریم؛ مهم ترین چیزی را که باید برای سال های آینده در نظر گرفت ایجاد بحث ظرفیت و توانایی و تخصص زنان است. این مساله که زنان با استفاده از نیروی کاری شان به کار گماشته شوند باید بیش از هر چیزی دیگری جدی گرفته شود. چون این یک امر مسلم است که عدم تخصص و توانایی در انجام کار فقط به حضور سمبولیک زنان می انجامد.

تاکی گدایی باید کرد؟

صفحه ۳ ...



آن چه زن در رسانه می بیند

تحلیل

ویدا ساغری



رسانه در افغانستان توسط مردان به نیت مفاد متولد شده، این به صنعت رسانه بی رنگ و بوی مردانه بخشیده است و زنان در آن حیثیت ابزار تجملی در خدمت جلب و جذب مخاطب را دارند. زنان در رسانه های افغانستان رشد نمی کنند بل پیر و فرسوده می شوند. یادم از اولین گروه های می آید که به عنوان نسل سوم بعد از رکود مطلق تلویزیون و رادیو (۲۰۰۱) دوباره به سرای ویرانه ای این حرم مردانه شتافتند و در آبادی اش قربانی های بی شمار ارزشی، جانی، مالی و زمانی دادند اما امروز هر کدام از همان زنان را هیچ کسی خبر دارد که در کجا مهاجر، بی کار، تبعید شده یا خانواده و قوم یا هم محکوم به خانه نشینی به سر می برند؟

دیار هند بود صحبت کردم. گفت: سنی ازم گذشته. چون ژورنالیست رسانه های این خراب شده بودم، امروز حتا در حد یک مامور عادی قراردادی معاش و زمانت بعدی کاری و مالی ندارم. خانواده کم تر به من احترام دارند و کاکاهایم رفت و آمد را با ما قطع کرده اند به خاطر صدایم که از رادیو نشر می شود. خواستگاری ندارم و دگر امیدم را برای تشکیل خانواده از دست داده ام.

بانوی دیگری که سنی ازش گذشته و دوره ی کار طلائی را با ریسک و قربانی در دوسه رسانه ای نامی رقم زده است از ناکامی رابطه ی عاطفی اش توسط خانواده ی همسرش قصه های دردناکی کرد و سرطان سینه اش را ناشی از فشارهای سخت روحی فرود آمده از چهار طرف بابت نوع شغلش می دانست. من روزهای را به یاد می آورم که همسرم کارت خیرنگاری ام را از گردنم کند و روی میز دفترم گذاشت و بابت تاکید بر نرفتیش از این شغل کل راه دارالمان ... ادامه در صفحه ۲ ...

جهانی شدن خشونت علیه زنان؛ انباشت سرمایه در چشم انداز تاریخی

ترجمه



نویسنده: سیلویا فیدریچی
برگردان: زلمی کاوه
بخش اول

مقاومت که زنان در سراسر جهان برای چگونه گی پایان دادن به آن اتخاذ می کنند، مورد بررسی قرار می دهیم.

پیش گفتار

از زمان آغاز جنبش فمینیستی، موضوع خشونت علیه زنان به عنوان یک مساله کلیدی در ادبیات فمینیستی مطرح بوده است که برای تشکیل و سازماندهی اولین دادگاه جرایم بین المللی جنایات علیه

زنان الهام بخش بود. این دادگاه در ماه مارس ۱۹۷۶ در شهر بروکسل پایتخت بلژیک با حضور زنان از ۴۰ کشور جهان برگزار گردید. پس از آن ابتکارهای فمینیستی بر علیه خشونت علیه زنان چند برابر شده و قوانین ضد خشونت علیه زنان در پی برگزاری کنفرانس های جهانی سازمان ملل در باره زنان به تصویب رسیده است. در این دادگاه شواهدی در مورد مادری اجباری، عقیم سازی، تجاوز، ضرب و شتم، زندانی کردن زنان در بیمارستان های روانی، درمان و رفتار وحشیانه با زنان در زندان ها را با خود به ... ادامه در صفحه ۲ ...



از گسترش و تکثیر انواع جدید شکار ساحره گی در مناطق مختلف جهان تا افزایش روز افزون تعداد زنانی که همه روزه کشته می شوند، شاهد بر این است که جنگی علیه زنان در حال گسترش است. چه انگیزه ها و منطقی در پشت آن قرار دارد؟

من سعی می کنم با قرار دادن اشکال جدید خشونت علیه زنان در یک چشم انداز تاریخی و به طور ویژه با بررسی تأثیر توسعه سرمایه داری، بر زنده گی زنان و روابط جنسیتی در گذشته و حال، به این سوال پاسخ دهم. من در پرتو چنین پیشینه ای رابطه بین اشکال مختلف خشونت شناخته شده خانوادگی، پنهان خارج از کشور، ساختاری و استراتژی های



جدیدگسو

کهر باران سجادی

سوره‌های بکارت تنانه‌های مه‌مچ‌مچ خواهش

تن‌اند

گاهی سلام می‌دهی بال‌ب‌خند

با خیابان حرف می‌زنی

با پوست‌های آماسیده سیبی دندان‌گزیده روی میز

گاهی دوستی

گاهی عاشق فلسفه

گاهی متنی را غسل تعمید می‌دهی

گاهی واژه‌ای را با لبانت واکسین می‌کنی تا مبادا

شاعری ان را بدزدد

زمانی ماهی و درد

درد بی‌درمان زیستن تو را به پرتگاه تقدس مرگ

می‌رساند

اما تو فرشته‌ای با بال‌های آدمی

زبان پرطراوت شهوت و هوس

و پرنده‌ی غریب و سواس و هراسان از بودن

معشوقه‌ی کامو

هم‌خوابه‌ی برگ‌های عریان

هم‌بازی تن، آب و آفتاب

تو هر شب شعر را با لعاب تنانگی هایت می‌شویی

و در رگ‌های شعر زنانگی ات را به عاریت

می‌نویسی

و از راز‌آمیزترین لبه‌های نر و خیس ارشیدی

ساختمان شعر آرایش می‌دهی!

شعری که آیه‌های زمینی تن و وزنند

آن‌چه زن در رسانه می‌بیند

بی‌عدالتی جنسیتی...

جنسیتی را در جامعه از بین ببرد؟ این سوالات که سازمان و محتوای تعلیم را مورد کنکاش و چالش قرار می‌داد باعث شد به تدریج نظام‌های تعلیمی کشورهای پیش‌رفته در جست‌وجوی راه‌کارهایی برای حل معضلات موجود باشند. هم‌چنین برای داشتن فضای سالم‌تر و جامعه‌ای پویاتر گام‌های اساسی بردارد تا بتواند از نیروی بشری جمعیت انسانی خودشان به نحو شایسته استفاده ببرند که در این کار موفق هم شدند.

اما در افغانستان هنوز در نظام تعلیمی ما «دیدگاه کلاسیک» هم‌چنان با اقتدار حاکمیت می‌کند و همین مساله باعث می‌شود تا هرگونه تلاش برای به‌سازی فضای جامعه نسبت به حضور زنان منجر به شکست گردد. مادامی که پیامدهای تعلیمی و تربیتی معارف کشور مورد بازبینی و بازنویسی با حضور زنان و مردان متخصصان آگاه و فعال صورت نگیرد. عدالت جنسیتی در افغانستان به شکل پروژه‌های زودگذر باقی خواهد ماند. واقعیت این است که حتا در افغانستان نگرش معلمان هم به دانش‌آموزان دختر و پسر فارغ از تعصب‌های جنسیتی نیست و تعدیل و تغییر این نگرش می‌تواند در تحقق هدف تساوی آموزشی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. از این رو برای داشتن جامعه‌ی سالم و زنان موفق در عرصه اجتماع باید اقدامات جدی در زمینه‌ی تغییرات نظام تعلیمی و تربیتی افغانستان صورت بگیرد. هرگونه حرکت در جهت تحقق نسل سالم در افغانستان بدون واژگونی کامل ساختار فعلی آموزشی که هم از طریق کتاب‌های آموزشی و هم توسط معلمان، علائق مردانه را در اولویت قرار می‌دهد، بی‌فایده خواهد بود.

غیر اصولی نظام مردانه نشود و منیت خود را حفظ کند بدتر از زنی تنبیه و خشم می‌شود که هر تکه‌اش را فدای تاروپود سیستم یک طرفه با ارزش‌های تجارتي و دو رنگش می‌کند.

رسانه‌ی تک جنسیتی از هم‌جنسش حمایت می‌کند حتا اگر آن هم جنس کوتوله، بدصدا، بی‌سواد و باربار اشتباه کاری و مسلکی کند. پیش‌چشم‌های ما و من به عنوان یک زن رسانه‌یی بعد از گذشت نزدیک به بیست سال کار جز مشت خاطررات تحقیر آمیز و فرسوده‌گی جلدی حاصلی نداریم و در هیچ جایی از این حوزه بزرگ سرنوشت‌ساز و قدرت‌مند که با خون و حیثیت ما ساخته شده است خودم را نمی‌یابم. در حالی که زبردستی آمار قابل ملاحظه‌ای از پسرهای بی‌تجربه و کم‌سواد را تحمل می‌کنیم. گاهی باید فکر کرد که زن مترسک شده رسانه‌یی گیرمانده روی ریسمان یک طرف جنسیت و طرف دیگر تجارت هم چنان برقصد یا برای افتادن بی‌ایستد؟

از آن زمان به بعد، ابتکارات فمینیستی ضد خشونت افزایش یافته و چند برابر شده است. چنان‌چه که به موجب آن، دولت‌ها قوانینی را طبق مفادکنفرانس‌های جهانی سازمان ملل متحد در مورد الغای خشونت علیه زنان به تصویب رسانیده‌اند. اما، هنوز راه دراز برای کاهش خشونت علیه زنان در پیش رو داریم. خشونت علیه زنان در هرگوشه وکنار جهان افزایش یافته است تا جایی که فمینیست‌ها وضعیت مرگ‌آور خود را «فمینیسید» توصیف می‌کنند. نه تنها خشونت و شمارش کشته شده‌گان و شکنجه‌شده‌گان افزایش می‌یابد، بلکه به عنوان نویسنده فمینیست شاهدیم که وضعیت خشونت علیه زنان رسمی‌تر، عمومی‌تر و وحشیانه‌ترگردیده است. تا جایی که چنین فرم‌های خشونت‌باری فقط در زمان جنگ دیده شده است.

من این سوال را هم‌زمان با اشاره به یک چشم‌انداز تاریخی و بحث پیرامون رابطه بین خشونت خانگی و عمومی و سیاست‌هایی رسمی که نهادهای بین‌المللی برای نظارت بر زنان اتخاذ کرده‌اند مطرح می‌کنم. هدف من نشان دادن این امر است در حالی که این موج جدید خشونت، اشکال مختلفی را به خود گرفته است. معیارها و عناصر اصلی و مشترک آن‌ها فروکاستی ارزش زنده‌گی و کار زنان است که جهانی شدن آن را ترویج می‌کند. به عبارت دیگر، خشونت جدید علیه زنان ریشه در روند ساختارهایی دارد که در تمام اعصار شکل‌دهنده رشد سرمایه‌داری و قدرت دولتی بوده است. این بدان معنی است که اگر مایل هستید تا عوامل و علل آن نابود گردد، ساختن بدیل برای سرمایه‌داری باید بخش مهمی از مبارزه علیه آن باشد.



تولد سرمایه‌داری و خشونت علیه زنان تاریخ معلم نیرومندی در این زمینه است و نشان می‌دهد هم‌زمان که سرمایه‌داری قدرت خود را از طریق جنگ، فتح و برده‌گی به دست آورده است. هنوز برخی از اشکال وحشیانه‌تر رژیم نظارت بر زنان طبقه پایین‌تر، به ویژه کسانی که هدف تبعیض نژادی قرار می‌گیرند را در درون خود حفظ کرده است. توسعه کاپیتالیستی با جنگ علیه زنان آغاز گردید. در واقع اعمال خشونت علیه زنان به ویژه در اشکال وحشیانه‌ی آن از همان آغاز یکی از عناصر ساختاری در جامعه سرمایه‌داری بوده است.

شکار ساحره‌ها در قرون ۱۶ و ۱۷ در اروپا و دنیای جدید منجر به کشتار هزاران نفرگردید. همان‌طور که در کالیپان و ساحره (۲۰۰۴)



تاکی گدایی باید کرد؟



گفت و گو
حسین احمدی

گفت و گو با رولا غنی، بانوی اول جمهوری اسلامی افغانستان

حسین احمدی: محترم خانم رولا غنی بانوی اول جمهوری اسلامی افغانستان، سپاس گزاریم از این که برای گفت و گو با هفته نامه نیمرخ وقت گذاشتید. هم چنان که شما آگاهی دارید پیش از این به غیر از بانو ملکه ثریا همسر شاه امان الله خان، دیگر بانوان اول افغانستان در مسایل سیاسی و اجتماعی کشور دخیل نبودند. اما از زمان ورود شما به ارگ ریاست جمهوری من حیث بانوی اول افغانستان، دفتر تان به عنوان یک آدرس حمایتی و هماهنگی برای زنان شناخته می شود. اگر بگویید که دفتر شما برای زنان کدام برنامه ها را دارد؟

بانوی اول: درست است. اول باید بگویم که مرا با دیگر بانوان اول افغانستان مقایسه نکنید. حالا که بانوی اول شده ام به لحاظ سنی من عمر بیش تری نسبت به موقعیت آنان دارم. فرزندانم خودشان فامیل دار هستند و من مسوولیت زیادی در خانواده ندارم. اما بانوان دیگر افغانستان مثلن خانم کزری، در مدت زمانی که بانوی اول افغانستان بود چهار فرزند به دنیا آورد. فکر می کنم او فرصت کافی برای داشتن دفتر و رسیدگی به همه امور را نداشت. وقتی که من دفتر باز کردم احساس مسوولیت می کردم که به عنوان بانوی اول کشور باید بدانم مشکلات، تقاضاها، تشویش ها و امیدواری های مردم چه است. تمام برنامه های ما بر محور این سه شعار اجرا می شود؛ ۱. گوش می کنیم، ۲. تسهیل می کنیم، ۳. آگاهی دهی می کنیم. مردم در دفتر ما مراجعه می کنند و ما مشکلات شان را می شنویم. اگر چند به خاطر مشکلات امنیتی بیرون از ارگ زیاد نمی روم ولی علاقه دارم تا بفهمم که بیرون از این چهار دیواری چه می گذرد. به همین خاطر یک «پالیسی دروازه باز» را برای دفتر خود طرح کردیم. مردم مراجعه می کنند و من هم دوست دارم قصه مردم را بشنوم و بفهمم که مردم چه مشکل دارند تا رسیده گی شود.

چون دفتر ما صلاحیت اجرایی ندارد نمی توانیم زیاد کمک کنیم ولی ما می توانیم در کار شان تسهیلات ایجاد کنیم. من نه یک فرد منتخب هستم و نه منتصب، به خاطر همین که همسر رییس جمهور افغانستان هستم، اگر کار مردم در اداره های دولتی اجرا نمی شود این امکان وجود دارد که مشاوران ما در تماس شود و در کارشان تسهیلات فراهم کنیم. اما بیش تر ما روی آگاهی دهی تمرکز داریم. همان گونه که شما از طریق نشریه تان برای مردم در مسایل خدمات اجتماعی، صحت و معارف آگاهی دهی می کنید ما نیز چه به مراجعان دفتر و چه در برنامه های بیرون از ارگ در نقاط مختلف کشور تلاش داریم تا به مردم آگاهی دهی شود. من مستقیم به زنان نمی گویم که شما را توانمند می سازیم ولی زنان را تشویق می کنم و برای شان جرأت می دهم تا خودشان ابتکار به خرج دهند و به موقعیت برسند.

پروژه پروموت یکی از بزرگ ترین پروژه های ویژه توانمندسازی زنان در افغانستان است، اما اعتراضاتی مبنی بر ناکارآمدی این پروژه بلند شد. ارتباط دفتر شما با این پروژه چگونه بود؟

پروژه پروموت یک پروژه سفارت ایالات

متحده امریکا برای توانمندسازی زنان در افغانستان است. ارتباط ما با این برنامه برمی گردد به زمانی که هنوز یک ماه نگذشته بود که من بانوی اول شده بودم. از من خواسته شد که در مراسم افتتاحیه این پروژه شرکت کنم. در برنامه شان شرکت کردم ولی در همان ابتدا گفته بودم که در دیزاین این پروگرام مشکلاتی وجود دارد. اما هماهنگی ما ادامه داشت و تا دو سال نظریات ام را برای شان ارایه می کردم. اما در اخیر دیدم که نظریات ام را هیچ اعتبار قابل نیستند. بنابراین یک و نیم سال می گذرد و من تاکنون همراهی شان هیچ ارتباطی ندارم. من هیچ وقت و هیچ پولی از این پروژه نگرفته ام. اگر چند مردم فکر می کنند که به پول پروموت ما نیز دست داشتیم ولی بوجه این پروژه هرگز در دست ما نبوده است.

یکی از برنامه های بزرگ ملی در سطح افغانستان پروژه صلح است. «اجماع ملی زنان افغان برای صلح» بود که هفته گذشته برگزار شد، روند برگزاری این نشست چگونه بود و چطور شکل گرفت؟

بهرتر است روند برگزاری اجماع ملی زنان برای صلح را از ابتدا تشریح کنم. در ماه اسد سال جاری خورشیدی کسی پیشنهاد کرد که نشست اجماع ملی زنان در مورد صلح برگزار شود. طرح اولیه را این گونه مطرح کردند که نشستی با حضور ۲۰۰ زن در قصر چهارچنار برای دو ساعت برگزار شود و در آخر قطع نامه اجماع ملی زنان را صادر کنیم. مفکوره اجماع ملی زنان برای من بسیار خوب بود چون قوت ما در وحدت ما است. اگر زنان در مورد صلح به اجماع برسند مسلمان حقوق و خواسته های شان محفوظ می ماند. ما باید به صدای واحد سخن بگوییم که صدای ما ارزش داشته باشد. اما طرح اجماع ملی فقط با حضور ۲۰۰ زن را نپذیرفتم ولی مفکوره اجماع ملی زنان برای صلح را با هم کارانم و زنان فعال از شورای عالی صلح، شبکه زنان افغان، وزارت امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ و شماری دیگر از بانوان فعال کشور در میان گذاشتم و حدود ۲۲ نفر روی آن

بحث کردیم. در نتیجه ما تصمیم گرفتیم که گفتمان زنان در مورد صلح را از کابل شروع کنیم؛ ابتدا باید می دانستیم که آیا زنان آماده هستند در مورد صلح کار کنند یا نه. به تاریخ ۲۴ اسد امسال، اولین اجماع زنان در لیسه امانی - شهر کابل با حضور یک هزار و ۵۰۰ تن از خانم ها از اقصای مختلف (جامعه مدنی، افسران نیروهای امنیتی، معلمان، استادان دانشگاه، داکتران و نهادهای اجتماعی زنان) دایر شد. نخستین نشست موفقانه بود. زنان در این برنامه در مورد صلح گفتند و در پنل بحث کردند. برای کسانی که جرأت سخنرانی نداشتند نظریات شان را در کاغذ برای ما نوشتند. زنانی که سواد نوشتن نداشتند نیز نظریات شان را ابراز کردند و دیدگاه شان در مورد صلح، یادداشت شد. در نتیجه این نشست قطع نامه ای صادر شد که بسیار خوب بود. پس از آن در نشست کمیته عملیاتی ما تصمیم گرفته شد که به صورت رایگان این برنامه ادامه یابد، نه برچسب کدام نهادی باشد و نه به خاطر پول خارجی ها بلکه با امکانات افغانی در پی اجماع ملی زنان افغان برآمدم. چند هیأت تشکیل شد تا عین برنامه در ولایات نیز برگزار شود. طرز العمل تدویر

نشست زنان برای اجماع ملی در مورد صلح با هیأتی از مرکز به تمام ولایات فرستاده شد. زنان در ولایات نیز جمع شدند، در پنل باهم بحث کردند و دیدگاه شان باهم دیگر شریک کردند. زنان از برگزاری این نشست ها بسیار خوش حال بودند و می گفتند که این اولین بار است که در مورد یک برنامه بزرگ ملی از ما نظر خواهی می شود. در حالی که آنان مفکوره های خوبی داشتند. زنان در این نشست ها تنها در مورد مشکلات زنان حرف نزدند بلکه از صلح و از مشکلات کل جامعه گفتند. ما از آنان می پرسیدیم که صلح یعنی چه؟ عوامل جنگ چیست؟ و صلح در منطقه شما چگونه تأمین خواهد شد؟ آنان بسیار با علاقه سخن می گفتند و نظر می دادند. ما فقط نظریات و اعلامیه های آن ها را ثبت می کردیم و می شنیدیم. این برنامه ها در ولایات شش ماه طول کشید و ۱۵ هزار خانم در سراسر کشور در این برنامه ها اشتراک کردند. آخرین جلسه ولایتی ما در ماه جنوری ۲۰۱۹ میلادی در ولایت فراه بود. پس از ختم این برنامه تمام خواست ها، دیدگاه ها و پیشنهادهای زنان را جمع بندی و طبقه بندی کردیم و در قالب یک قطع نامه آماده شد.

از وقتی که شما به افغانستان آمدید چه تغییری را در وضعیت زنان افغانستان مشاهده می کنید و به نظر شما شرایط زنده گی و جایگاه زنان افغان امروز چگونه است؟

می توانم بگویم که حضور زنان تثبیت شده است؛ یعنی زنان در جامعه، در اداره دولتی، در محل آموزشی، در محیط کار و همه جا حضور دارند. زنان افغان را امروز وقتی می بینیم که در جاده و داخل شهر می برآید دیگر زیر برقع و با ترس راه نمی رود بلکه آزاد و بدون هراس قدم می زنند.

این که چه تغییری عمده ای در زنده گی شان ایجاد شده است باید از خود زنان پرسیده شود. فکر می کنم زنان به امکانات زیادی دسترسی دارند ولی نمی دانم که چقدر برای آنان تأثیر گذار بوده است. اما من احساس می کنم که امروز زنان افغان - برای هر کاری که بخواهند انجام دهند - جرأت پیدا کرده اند.

به صورت قطع که حضور زنان در عرصه های مختلف پیش تر شده و امروز زنان افغان نمی خواهند حاشیه نشین بمانند بلکه تلاش دارند در متن روی دادها و تصمیم گیری ها باشند؛ اما برای رسیدن به این اهداف شان نیاز به حمایت هم دارند. به طور مثال؛ زنانی که می خواهند تجارت کنند و مفکوره دارند ولی پول ندارند پس نیاز به حمایت است تا نهادهای ملی و بین المللی حمایت شان کنند. اگر چند در نخست شما

گفتید که دفتر ما صلاحیت اجرایی ندارد، اما من حیث یک آدرس حمایتی برای زنان شناخته می شوید، برای سال های آینده چه برنامه هایی روی دست دارید؟

برنامه های اجرایی نداریم ولی فراهم کردن تسهیلات، هماهنگی و مشوره برای مراجعان مان ادامه دارد. اما بعضی برنامه ها را می توانیم تحت عنوان همین ایجاد تسهیلات انجام دهیم. به طور مثال؛ شما از حضور زنان در عرصه تجارت یاد کردید، ما برای زنان تجارت پیشه توانستیم یک کار بسیار بزرگی انجام دهیم تا یک اتاق تجارت برای خانم ها ایجاد شود. اقدامات برای ایجاد اتاق تجارت زنان صورت گرفته بود منتها پرونده ای آن ها هرگز به شورای عالی اقتصادی نمی رسید تا طرح شان نهایی شود. آنان را هفته به هفته مهلت می دادند تا این که پس از چهار ماه پیش من آمدند و از این بابت شکایت کردند. من در این مورد با رییس جمهور حرف زدم، رییس جمهور مسوولیت ریاست شورای عالی اقتصادی را نیز به عهده دارد و به این موضوع رسیده گی کرد. اکنون دو سال از فعالیت این اتاق می گذرد و هر سال بیش از پیش قوی تر می شود. ما

قطع نامه همراهی شان شریک ساخته شد و نظریات شان را ابراز کردند که چه مواردی در نسخه نهایی آن گنجانیده شود. **دست آوردها و نتیجه که از این نشست گرفتید چه است؟** هم چنان که توضیح دادم، اجماع ملی زنان افغان برای صلح یک برنامه شخصی نه بلکه یک فرایندی بود که بیش تر از شش ماه روی آن کار شد. نظریات زنان از سراسر کشور ثبت و جمع آوری شد و در آخر نیز قطع نامه را خودشان نهایی ساختند و به تاریخ نهم حوت در لویه جرگه با حضور دوازده رییس جمهور کشور این قطع نامه که در واقع دیدگاه و موضع زنان افغان در قبال صلح را بیان می کرد به خوانش گرفته شد. مهم ترین نتیجه نشست این است که رییس جمهور در سخنرانی اش از قطع نامه زنان در مورد صلح استقبال کرد و تعهد داد که موارد یاد شده در این قطع نامه هم در لویه جرگه مشورتی صلح و هم در جریان گفت و گوهای صلح با طالبان در نظر گرفته می شود. یعنی این که نگرانی زنان نسبت به صلح مورد توجه حکومت هست و دیدگاه شان در مذاکرات صلح مد نظر گرفته می شود. یکی دیگر از دست آوردهای این



بر محور اهداف تعیین شده کاری دفتر مان هر نوع هم کاری با مردم و به ویژه زنان را ادامه می دهیم.

در شرایط کنونی کشور مسایل مثل جنگ، صلح، انتخابات و گفتارهای خروج نیروهای ناتو وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان را متأثر کرده است. شما من حیث یک شهروند و هم چنین به عنوان بانوی اول افغانستان دیدگاه و نگرانی تان در قبال این وضعیت چه است؟

در نخست باید بگویم که من در سیاست مداخله نمی کنم. از ابتدا فکر کردم که اگر بخواهم بانوی اول افغانستان و کل افغان ها باشم نباید در سیاست مداخله کنم. بسیار کم با و کیلان پارلمان در تماس هستم ولی می خواهم برای کسانی کار کنم که به کمک ضرورت دارند.

در مورد حضور و کمک های خارجی؛ هجده سال است که ما کمک خارجی می گیریم اما به اندازه ای که پول سرازیر شد کارها اندک بود. پولی که به ساده گی به دست می آید زود به مصرف می رسد. بهتر این است که مردم به پای خود ایستاد شود. جوانانی که جیدند با سرمایه اندک ابتکار کرده و کار ایجاد می کنند بسیار با اعتماد به پیش می روند و زود موفق می شوند. ما تا کی گدایی کنیم.

در این اواخر مقاله یک خانم امریکایی که گفته بود «افغان ها نمی توانند مانع خروج نیروهای امریکایی شوند، زیاد شهرت پیدا کرد. وقتی که این خانم نوشته است «شما باید به پای خود ایستاد شوید» من هم تأیید می کنم که راست می گوید چون ما باید به پای خود ایستاد شویم. اما آن چه در این مقاله برای ما نفرت خلق کرد این است که به کل کشور و مردم افغانستان توهین شده است. این برای ما قابل قبول نیست؛ ما عزت داریم و غیرت داریم. شرایط سیاسی و امنیتی افغانستان هر گونه که هست ولی افغان ها مسوولیت دارند تا کشور شان را بسازند و روی پای خود ایستاد باشند و دیگر وابسته کمک های خارجی نباشند.

هر کشور آجندهای خود را دارد. این گونه نیست که از دل سوزی بخواهند کمک کنند. حالا که با تبدیل شدن رییس جمهور امریکا سیاست شان نیز تغییر کرد، اما خروج آن ها باید در چارچوب توافق نامه استراتژیک صورت بگیرد که در آن جا تعهدات هردوجانب (افغانستان و امریکا) روشن است.

خروج زود هنگام بدون تأمین امنیت افغانستان به نفع هیچ طرف نیست چون همان طور که طالبان گفته بود اگر امریکا ساعت دارد ما زمان را در اختیار داریم، پس تعیین زمان مشخص برای خروج نیروهای ما به نگرانی است و باید این خروج تدریجی باشد تا افغانستان آسیب نبیند.

و در آخر اگر حرف و یا پیامی برای زنان افغان داشته باشید، بفرمایید.

فصلن دغدغه های مردم بیش تر در مورد صلح است. من بسیار افتخار دارم که زنان افغان با قوت و با شهامت ایستاد شدند و در مورد شبه مذاکرات که در مسکو و در دوحه برگزار شد، موقف شان را اعلام کردند و واکنش نشان دادند. این نشان می دهد که زنان امروز قوی شده اند و می دانند که چگونه از موقف شان دفاع کنند و صدای شان را به همه گی برسانند. پیام من هم این است که تلاش کنیم برای آینده بهتر. کشور ما پر از منابع و ثروت است که می تواند مرفه باشد. ما باید حکومت داری خوب و نظم داشته باشیم. از فساد و افراد مسلح غیرمسوول که باعث بی نظمی می شود جلوگیری کنیم. کشور ما زیبا و پر از امکانات است به شرطی که ما همه گی زنان و مردان باهم کار کنیم تا کشور ما آباد و مرفه شود. **تشکر بسیار زیاد.** تشکر از شما.



Nimrokh Weekly

سال سوم ■ شماره ۷۹ ■ دوشنبه ۵ حمل ۱۳۹۸ ■ Vol. 3 ■ No. 79 / Monday ■ March 25, 2019

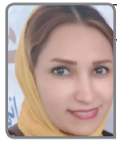
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان
سردبیر: ریحانه رها
گزارشگر: فرزانه احساس، حسین احمدی و آمنه امید
عکاس: نجیبه نوری
صفحه آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی:
Nimrokhweekly7@gmail.com

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص
سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر
می‌کنند.

به جز روی‌کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به
دوش نویسندگان می‌باشد.
هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

تصویرپردازی تابو در جامعه‌ی معاصر افغانستان باروی‌کرد مبتنی بر تضاد جنسیتی



تحلیل
بسی گل شریفی
قسمت اول

تعریف کلیدواژه‌ها:

تعریف کلیدواژه‌ها نقطه آغازین هر تحقیقی است که به صورت علمی به دنبال شناخت و واکاوی موضوع معینی در بستر زمانی و مکانی مشخصی است، اما این امر به معنای قابل ترجمه بودن همه‌ی کلیدواژه‌ها نیست و در بسیاری موارد امکان ترجمه‌ی دقیق کلیدواژه‌های تحقیق به دلیل اختلاف آراء، نوبه‌ی تحقیق، تضاد بسترهای فرهنگی و علمی و دیگر عوامل، وجود ندارد و باید به ریشه اصلی کلید واژه رفت و بر اساس مختصات آن به بررسی زبان‌شناختی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی آن پرداخت. واژه «Taboo» نیز در این حوزه قرار می‌گیرد، تا کنون این واژه معادل فارسی نداشته و برای آن واژه و اصطلاح فارسی تولید نشده و به همان صورت خارجی خود استفاده می‌شود. تابو به معنای مجموعه مقدساتی است که بنا به فرهنگ جامعه به‌وجود آمده و شکستن و خلاف آن حرکت کردن ممنوع و غیر قابل قبول است، در صورت شکستن تابو و از بین بردن امر مقدس، عواقب و پیامدهای سنگینی از طرف جامعه‌ی آن امر والا گریبان مرتکب شونده آن را خواهد گرفت.

بستر شکل‌گیری تابو و شناخت عناصر کلیدی آن:

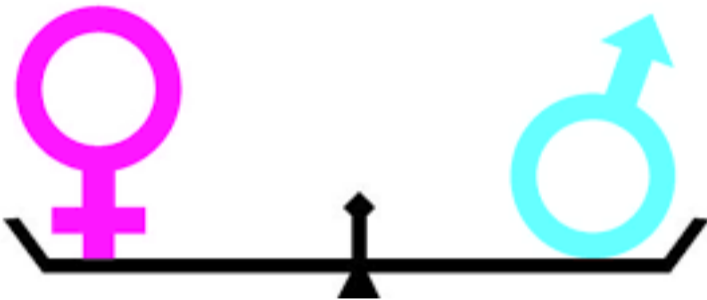
تابوها امر ثابت و مشخصی نیست و بر اساس تنوع فرهنگی، کاملن متغیر و نسبی می‌باشد. بنابراین شناخت تابوهای هر جامعه نیازمند شناخت ویژه‌گی‌های فرهنگی و اجتماعی آن است. ممکن است آن چیزی که در جامعه اسلامی تابو باشد در جامعه بودایی تابو قلم‌داد نشود. نحوه شکل‌گیری تابوها با تغییرات تمدنی و سیاسی رابطه مستقیم دارد. تغییرات تمدنی، مذهبی، سیاسی که منجر به دیگرگونی ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی شده در واقع تابوهای یک جامعه را نابود و تابوهای جدیدی را به‌وجود

آورده است، بنابراین نوعیت قدرت سیاسی، مذهبی به نوعیت تابوها شکل می‌دهند. اساسات لایتغیر قدرت سیاسی، فرهنگی در نوعیت تابوها نهفته است. «مجموعه رفتارها، عوامل ممنوعه را تابو می‌گویند که در عدم ارتباط با آن هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. در واقع تابو امر ممنوعه گاه مقدسی است که نباید با آن ارتباط برقرار کرد. مفروضات لایزال ممنوعه زیربنای ساخت فکری و فرهنگی قلم‌داد می‌شود که بقای آن دوام ساختار مورد نظر را تضمین می‌کند.»

فریود در کتابی به نام تابو و توتم به وجوه و تعریف تابو می‌پردازد و نظریه خود را مطرح می‌کند. این

را با شخص شاه منع می‌کرد. حتا دیدن پادشاه برای مردم تابو بود و مردم از آن اجتناب می‌کردند تا مرتکب اشتباهی نشده باشند و نسبت به وجود مبارک و قدسی پادشاه اهانت صورت نگرفته باشد. این دریافت در کشور جاپان ناشی از سیستم طبقاتی هرمی شکلی است که سلسله مراتب قدرت را نشان داده و ایفا می‌کند. رابطه پادشاه با نیروی والا و مقدس باعث تقدس وی شده و به وی مشخصه فرا انسانی و الوهی بخشیده است.

آن‌چه در طول تاریخ اتفاق افتاده، شکل‌گیری تابوهای مختلفی است که در آن امر مردانه وجه مشترک



می‌باشد. در نظر داشتن منافع عوامل قدرت (وجه جنسیتی مردانه) اهمیت بنیادی و تعیین کننده بوده است. تابوهای مانند پرده بکارت، نابرابری ارث زن با مرد، عدم قضاوت زنان در جامعه اسلامی و بسیاری موارد دیگر.

تابو و نقش جنسیت زنانه در تعیین کننده‌گی آن:

تابو میوه ممنوعه‌ای است که دین، آیین و مذهب به مقاومت در مقابل آن انسان را ترغیب کرده و می‌کند.

روی‌کرد مبتنی بر مشاهدات عینی و روان‌کاوانه است. تابو لزومن وجه مشترکی با اخلاق و الزامات آن ندارد. و صرفن با نیروی والا و مقدس در تماس است که منجر به تقدس آن شده است.

به طور مثال: در ژاپن قدیم چنین پنداشته می‌شد که پادشاه نماینده خداوند است و از نیرویی خدایی و فرا انسانی برخوردار است و نباید این قداست با نزدیک شدن انسان آلوده شود. پس هر گونه تماس مستقیم و غیر مستقیم مردمان عادی مخصوصن طبقات پایین



تحلیل
بتول سید حیدری

بی‌عدالتی جنسیتی در نظام تعلیمی افغانستان



مردسالاری حاکم بر تمامی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی افغانستان مانع تحقق یک فضای تعلیمی مناسب برای حضور زنان شده است. تا زمانی که نهادهای سنتی حاکم در قریه‌جات و ولایات افغانستان دست‌خوش تغییرات ساختاری نشود هم جامعه در کل و هم زنان تحت استیلای اخلاق مردانه‌هایی که به غلط پی‌ریزی شده، قرار می‌گیرد. عمده‌ترین مشکل در ساختار تعلیمی افغانستان وجود ارزش‌های مردانه‌ای است که این امر باعث شده نه تنها محتوای مطالب و متون درسی مرد محور باشد بلکه حتا بافت جملات و کلمات به کار رفته حتا تصاویر درج شده در کتب درسی از مفهوم مردسالارانه برخوردار است.

در حالی که سال‌هاست زنان در دنیا توانسته‌اند در نظام علمی بیش‌تر کشورها، هم‌چون مردان و پایه‌پای آن‌ها حضور یابند و به رقابت سالم با آنان بپردازند. این امر موجبات رشد و پیش‌رفت را در حوزه‌های مشترک انسانی بین دو جنس فراهم آورده است. اما در افغانستان همان‌طور که اشاره شد کاملن عکس آن عمل می‌شود، به گونه‌ای که زنان تربیت یافته در نظام‌های تعلیمی و تربیتی افغانستان به سبب تک‌بعدی حرکت کردن اهداف، محتوا و روش‌های تعلیمی، معمولن فاقد مهارت‌های جنسیتی مربوط به جنس خویش هستند.

از سوی دیگر، با وجود آن‌که در نظام آموزشی افغانستان تعلیمات و مواد آموزشی کاملن مردانه‌ارایه می‌شود، عرف و قوانین به‌خصوص زمانی که زن بخواهد در جامعه فعالیت کند و پایگاه اجتماعی بیابد از آنان انتظار ایفا نقش‌های جنسیتی دارند. درست در این زمان، زمانی که برای ایفای این گونه نقش‌ها که در نظام آموزشی تعلیمی ندیده‌اند، دچار انواع مشکلات، از جمله افسرده‌گی، احساس طرد شدن، سردرگمی و تندخویی، اختلال و کاهش در عمل کرد می‌شوند.

فارغ از بی‌عدالتی جنسیتی و بررسی این مقوله در روش‌های نصاب آموزشی و تربیتی در افغانستان در

معلمان و به ویژه والدین نقش مهمی ایفا می‌کنند. زیرا برای والدین مشکل است که دختران شان را به انتخاب رشته‌های همسان با پسران ترغیب کنند؛ به ویژه اگر این امر مغایر با علایق و منافع جنسیتی رایج در جامعه باشد.

۲- دیدگاه فمینیستی

انقلاب صنعتی سبب کشیده شدن تمام اقشار جامعه، از جمله زنان و اطفال به بازار کار شد. تا قبل از انقلاب صنعتی، ضعف فیزیکی و جسمانی زنان مانع مشارکت آنان در نیروی کار تولیدی می‌شد. کار در دوران صنعتی با تکنولوژی خودکار، پیش‌شرطی برای حضور زنان در عرصه‌ی اجتماعی و میدان کار شد. در واقع انقلاب صنعتی تاثیر دوگانه بر وضعیت زنان داشت. در نخست تقسیمات طبقاتی را توسعه داد و نخبه‌گان جدیدی شامل زنان را پدید آورد و به گونه‌ای که این اقلیت در مقایسه با زنانی که فاقد مهارت‌های کار با تکنولوژی جدید بودند از امتیازاتی برخوردار شدند. برای مثال در سال ۱۹۸۰ میلادی زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با زنان دارای تحصیلات ابتدایی دست‌مزد بیش‌تری دریافت می‌کردند. این امر به نوبه‌ی خود اهمیت تعلیمات را برای زنان آشکار ساخت و انگیزه‌ی آنان را برای کسب آموزش و تحصیل در سطوح بالاتر افزایش داد. از سوی دیگر، حضور زنان در بازار کار - که حیطة‌ای مردانه تلقی می‌شد - منجر به پایین آمدن دست‌مزد مردان شد و از این روی با مقاومت‌ها مخالفت‌های مردان مواجه شد. به این ترتیب زنان دریافتند که به عنوان زن، دارای منافع مشترکی با زنان دیگر جوامع و منافع متفاوت با منافع مردان هستند.

این امر، طرفداران حقوق زنان را به واکنش واداشت و موجب شد نظرات متفاوتی در رابطه با حقوق زنان مطرح شود. این نظرات با وجود گوناگونی در وهله‌ی نخست پرسش‌های مشابهی را مطرح می‌کرد. از جمله نقش آموزش در بازار تولید روابط جنسیتی چیست؟ چرا زنان و مردان نقش‌های متفاوتی در جامعه دارند؟ و آیا مکتب می‌تواند روابط ... ادامه در صفحه ۲۰۰

جوامع جهان سوم دختر پس از ازدواج به فامیل شوهر ملحق می‌شود لذا صرف وقت و هزینه برای تحصیل او را کاری بی‌بهره می‌دانند. این ضرب‌المثل آسیایی که می‌گوید «آموزش دختران مثل آب دادن به درختان باغ همسایه است.» به خوبی دیدگاه کلاسیک حاکم در افغانستان را در رابطه با تعلیم دختران تبیین می‌کند.

۲- دیدگاه برابر اما متفاوت

این دیدگاه امروزه کماکان در اغلب کشورها اعم از توسعه یافته و درحال توسعه رایج است. این دیدگاه تعلیم دختران را به دلیل منافع غیرمالی آن (بهداشت خانواده و تربیت اطفال) امر لازم تلقی می‌کند. اما تحت تاثیر کلیشه‌های جنسیتی، آموزش متفاوت از پسران را برای دختران مورد تاکید قرار می‌دهد. به همین دلیل دیده می‌شود که تقریبین در اغلب کشورهای جهان سوم به خصوص افغانستان دختران به سمت رشته‌هایی خاص که با وظایف مادری و همسری آنان هم‌خوانی دارد سوق داده می‌شوند. در این میان

تمامی پایه‌های تحصیلی دختران نسبت به پسران دست‌رسی بسیار کم‌تری به آموزش و استفاده از خدمات تعلیمی دارند. برای تبیین این پدیده سه دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه کلاسیک (برتری پسر بر دختر در آموزش)، دیدگاه برابر اما متفاوت و دیدگاه فمینیستی (تساوی کامل دختر و پسر در آموزش) که هر کدام در ذیل به شکل خلاصه بررسی شده است.

۱- دیدگاه کلاسیک:

از منظر کلاسیک وضعیت زنان در چارچوب خانه و خانه‌داری ترسیم می‌شود و به همین لحاظ تعلیم او در افغانستان جایگاه نمی‌یابد. این دیدگاه با برتر پنداشتن جنس مذکر، تعلیم پسران را بر دختران اولویت می‌دهد. اصولن به دلیل باور داشتن به کلیشه‌های نقش جنسیتی به شکل سنتی در عنعنات اعتقادات مردمی هیچ فایده‌ای در فرستادن دختران به مکتب نمی‌بینند و معتقد هستند مهارت‌های مورد نیاز دختران توسط مادران و خواهران به آنان یاد داده می‌شود. از سوی دیگر چون در بیش‌تر